

جانامور لون ومايكل باروز

پُرسِشْگَرِي وَ كُفْت وَ گَوُ
بَا كَوْدَكَانُ وَ نَوَجَوَانَان

PHILOSOPHY IN EDUCATION

فلسفه در آموزش

مترجم: مرتضی براتی



فهرست مطالب

۶	در باره نویسندگان
۷	مقدمه
۹	بخش اول: چرا فلسفه را به کودکان معرفی کنیم؟
۱۱	۱. فلسفه فراتر از دانشگاه
۳۱	۲. شگفتی، پرسشگری و تأمل
۴۹	بخش دوم: ایجاد فضا برای پرسشگری و گفت وگو
۵۱	۳. آموزش یادگیرنده محور و مدل گفت وگویی
۶۷	۴. حساسیت فلسفی
۸۵	۵. حلقه کتدوکا و فلسفی
۱۰۵	بخش سوم: کلاس درس
۱۰۷	۶. فلسفه در مدرسه ابتدایی
۱۶۳	۷. فلسفه در مدرسه متوسطه اول
۲۱۹	۸. فلسفه در مدرسه متوسطه دوم
۲۶۷	بخش چهارم: هویت، نابرابری اجتماعی و عملکرد فلسفی
۲۶۹	۹. به رسمت شناختن فلسفی و هویت: به رسمت شناختن کودک
۲۸۷	۱۰. برخوردهای فلسفی کودکان: جدی گرفتن نقش امتیاز در کلاس های درس
۳۰۳	۱۱. فلسفه و تغییر آموزش پیش از دانشگاه
۳۱۳	کتاب نامه

فلسفه فراتر از دانشگاه

عنوان کتاب ما حاوی دو اصطلاح محوری فلسفه‌ورزی است: پرسشگری و گفت‌وگو. فلسفه در جوهر خود، طرح پرسش‌هایی است که برای درک موقعیت انسانی اساسی‌اند. آن‌گونه که توماس ناگل می‌گوید، «محور فلسفه پرسش‌هایی است که ذهن ژرف‌اندیش انسان آن‌ها را به‌طور طبیعی معماگونه می‌یابد» (Nagel, 1987: 4). این پرسش‌ها، اعم از آنچه منجر به شناخت دنیای خود، دیگران و خودمان شود، ماهیت حق و باطل و نسبت آن با هستی (و بسیاری از پرسش‌های دیگر)، «مواد خام» فلسفه را تشکیل می‌دهند (Ibid: 4). همه ما در زندگی خود به‌نوعی با پرسش‌هایی فلسفی مواجهیم که حیرت ما در معنای زندگی (و پایان آن)، تأمل درباره ارزش‌ها و بازتاب درستی و نادرستی اعمالمان را رقم می‌زند. در حین سنجش این مباحث - چه کودکان چه بزرگسالان - درگیر تفکر فلسفی می‌شویم. اغلب، این پرسش‌ها پاسخ قطعی ندارند. آن‌ها ما را از عدم قطعیت و وجود امکان‌های فلسفی در زندگی آگاه می‌کنند. همان‌طور که برتراند راسل در کتاب *مسائل فلسفه** (۱۹۹۷) می‌گوید:

* *The Problems of Philosophy*

اگرچه فلسفه نمی‌تواند با اطمینان به شک و تردیدهای مطروحه پاسخ درستی بدهد، لیک قادر است، امکان‌های بسیاری برای گسترش اندیشه ارائه دهد و آن را از جبر عرف و عادت‌رهایی بخشد. بدین‌سان، با تقلیل احساس یقین ما نسبت به وجود اشیاء، آگاهی ما به کنه امور افزایش می‌یابد. فلسفه، تعصب سرکشانه کسانی که هرگز رهایی از قلمرو شک را نپیموده‌اند، دگرگون می‌کند و با کشف امور معلوم در دایره صور مجهول، احساس شگفتی را در ما زنده نگه می‌دارد (Russell, 1997).

اگرچه عدم قطعیت می‌تواند ناخوشایند باشد؛ با این وجود، مجال می‌کند تا باورها و انتخاب‌های خود را منتقدانه بیازماییم و به پرسش بکشیم تا آگاهی و دانش در کشمکش این پرسش‌های پیچیده حاصل شود. فلسفه با تجربه‌هایی از تردید و بی‌ثباتی به تعریف پرسش‌هایی می‌پردازد که بخش اساسی موقعیت انسانی، توأمان با آگاهی و پرسش از همین تجارب پدیدار می‌شود.

پرسشگری فلسفی می‌تواند فعالیتی فردی به‌شمار آید. ما قادریم به‌تنهایی فلسفه‌ورزی کنیم؛ اما در این حین می‌توانیم پرسش‌هایی فلسفی بپرسیم و در گفت‌وگو با دیگران به پرورش پاسخ این پرسش‌ها بپردازیم. می‌توانیم چون فیلسوف، بسیار از پرسشگری و گفت‌وگو با گروهی بهره‌مند شویم که ابعاد فلسفی زندگی انسان را می‌شناسانند و ارزش می‌نهند. پرسش‌های فلسفی برای یک فرد چالش‌برانگیز است و ما می‌توانیم در بررسی این پرسش‌ها با دیگران به حمایت از روش‌های مهم فلسفه‌ورزی برخیزیم. فیلسوفان تاریخی از افلاطون تا کانت، گفت‌وگو را ابزار اصلی دستیابی به دانش فلسفی می‌دانستند. همچنین، ارسطو به محوریت فلسفه‌ورزی در یک جامعه اشاره می‌کند و آن را بهترین فعالیتی می‌داند که می‌توان با دوستان سهیم بود (Nicomachean Ethics, 1172a-5). افزون بر این، فلسفه در بسترهای آموزشی، آن‌گونه به کار گرفته می‌شود (تمرکز بیشترین کتاب) که اغلب به صورت گفت‌وگو در کلاس است. کودکان و نوجوانان می‌توانند در مباحث ساده و آسان فلسفی در فضای کلاسی به تبادل نظر بپردازند و بدین طریق، با فعالیت فلسفی آشنا شوند. به همین دلیل، گفت‌وگو و شکل‌گیری «حلقه‌های کندوکاو فلسفی» (کشف پرسش‌ها و مفاهیم فلسفی‌ای که بینش و

علاقه فلسفی دانش‌آموزان را برانگیخته است) را محور فلسفه‌ورزی در کودکان و نوجوانان می‌دانیم.

با وجود حضور گسترده فلسفه در تجربه انسانی (چه در پرسشگری فلسفی، چه در گفت‌وگو با دیگران)، معرفی و مطالعه فلسفه در بسیاری از مدارس در اولویت نیست. در این فصل، به برخی از چالش‌های پیش روی فلسفه تا پیش از دانشگاه می‌پردازیم؛ از جمله تصورات رایج فلسفه در جایگاه رشته تحصیلی ویژه بزرگسالان در آموزش عالی. در پاسخ به این چالش‌ها، نخستین گزارش فلسفه را گسترش تبادل گفت‌وگوی فلسفی می‌دانیم که می‌تواند در مدارس به کودکان معرفی شود. برای انجام این کار، چارچوب فصول بعدی را به بررسی و ارائه منابع و توجیهاتی برای فلسفه‌ورزی با کودکان می‌پردازیم.

رشته فلسفه و ناخوشایندی‌های آن

در ایالات متحده (و بی‌شمار کشورهای دیگر)، مطالعه فلسفه - و در کنار آن دسترسی به یک جامعه عقلانی علاقه‌مند به تأمل و بحث فلسفی - چندان در مدارس وجود ندارد. به‌طور کلی، فلسفه را مختص کسانی می‌دانند که در مؤسسات آموزش عالی فعالیت می‌کنند: دانشجویان دانشگاه (برنامه‌های آموزشی کارشناسی و کارشناسی ارشد) و فیلسوفان حرفه‌ای (استادان، مدرسان و غیره). با این وصف، در بافت‌های آموزشی، اصطلاح «فلسفه» مترادفی برای رشته دانشگاهی خاصی است که در مؤسسات آموزش عالی تعریف می‌شود. فرد نیز زمانی «فیلسوف» خوانده می‌شود که به عنوان یک دانشجوی فردی حرفه‌ای در این رشته فعالیت کند.

ارتباط عمل فلسفه با رشته فلسفه در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نسبتاً پذیرفتنی است. حضور گروه فلسفه (و در طیفی وسیع‌تر، برنامه‌های علوم انسانی) در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها به رسالت اصلی آموزش عالی کمک می‌کند. دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد با مطالعه برنامه‌های فلسفه دانشگاهی، مجموعه‌ای از مهارت‌های مهم (مانند تفکر تحلیلی، سواد انتقادی و استدلال منطقی) را پرورش می‌دهند و با پرسش‌ها، مفاهیم و ایده‌هایی درگیر می‌شوند که در فهم ما از جهان و خودمان دخیل‌اند.